

واکاوی قلمرو تعارض منافع مدیر و شرکت در حقوق شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان)

سعید محسنی*
فائزه تیموری مقدم**
محمدتقی نادی***
مهسا رباطی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

چکیده

جایگاه و نفوذ مدیران در شرکت‌های تجاری و اثرگذاری تصمیمات آنان بر موفقیت این شرکت‌ها، ازجمله عوامل مهمی است که توجه به موضوع «تعارض منافع مدیر و شرکت» را ضروری می‌نماید؛ وضعیتی که منفعت مدیر در مقابل منفعت شرکت قرار می‌گیرد و مدیر باید یکی از این دو منفعت را برگزیند. ازاین‌رو، در برخی نظام‌های حقوقی همچون انگلستان، ضمن وجود تکلیف قانونی مدیران به اجتناب از موقعیت تعارض، این موضوع در دکترین حقوقی و رویه قضایی نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. حال با عنایت به عدم اظهارنظر صریح قانون‌گذار ایرانی درخصوص مسئله تعارض منافع در شرکت‌های تجاری، پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از تجربیات نظام حقوقی انگلستان، قلمروی تعارض منافع مدیر و شرکت را از سه جهت قلمروی شخصی، موضوعی و زمانی بررسی می‌کند. مطابق با نتایج این پژوهش، جدای از ضرورت شناسایی مفهوم و اقسام شرکت‌های تجاری، عبارت مدیر شرکت دربرگیرنده تمام اشخاصی است که با هر عنوان و به هر نحو با مدیریت و فعالیت‌های مدیریتی شرکت ارتباط داشته و صاحب‌نفوذند. این مدیران مکلف‌اند از هرگونه تعارض بالفعل و بالقوه در موضوعات مالی، رقابتی و مرتبط با اطلاعات و فرصت‌های شرکت، اجتناب ورزند و منافع شرکت را در اولویت قرار دهند.

کلیدواژگان:

تعارض منافع، رقابت، منافع شرکت، منفعت شخصی، وظیفه امانی.

* دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
s-mohseni@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

*** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

**** دانش‌آموخته دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (دانشکده‌گان فارابی)، قم، ایران.



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

تعارض در لغت به معنای «مزاحم و مخالف هم بودن»^۱ و در اصطلاح به وضعیت رقابت میان دو یا چند عامل متضاد گفته می‌شود که انتخاب یکی از عوامل، مستلزم چشم‌پوشی از دیگر موارد است؛ همچون موقعیت «تعارض منافع»^۲ که منفعت یک شخص در مقابل منفعت شخص یا اشخاصی قرار می‌گیرد که وی وظیفه محافظت از منافع آنان را دارد و بیم آن می‌رود که شخص در تقابل منافع، منفعت خود را ترجیح دهد و از موقعیت پیش‌آمده به سود خود بهره ببرد.

در اندیشه‌های حقوقی و به‌ویژه نظام تقنینی ایران، معمولاً بحث تعارض منافع در حوزه حقوق عمومی و نهادهای دولتی مطرح می‌شود؛^۳ درحالی‌که موضوع تعارض منافع و ضرورت تدوین احکام و قواعد متناسب با آن، مختص نهادهای دولتی نیست و توجه به این مسئله در حقوق خصوصی و به‌ویژه شرکت‌های تجاری نیز دارای اهمیت است؛^۴ شرکت‌هایی که به‌موجب قانون و با هدف کسب سود ناشی از انجام فعالیت‌های تجاری و اقتصادی تشکیل می‌شوند و با ایجاد ارکان مدیریتی و ساختارهای درون‌شرکتی، در جهت تحقق اهداف یادشده گام برمی‌دارند. بنابراین، وجود نقش‌های مختلف در شرکت‌های تجاری و اثرگذاری تصمیمات و اقدامات بازیگران این نقش‌ها بر میزان موفقیت شرکت، ازجمله عواملی است که توجه به مسئله تعارض منافع در شرکت‌های تجاری را بایسته می‌نماید.

هرچند تعارض منافع در شرکت‌های تجاری میان اشخاص مختلف رخ می‌دهد،^۵ بااین‌حال، جایگاه مدیران و تأثیر ناشی از موقعیت آنان در شرکت، مسئله تعارض منافع «مدیر» و «شرکت» را پررنگ‌تر می‌سازد؛ حالتی که منفعت شخصی مدیر و منفعت شرکت در مقابل هم قرار گرفته و مدیر ناگزیر از

۱. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربان‌زاده، ج ۱، تهران: اشجع، ۱۳۹۶، ص ۵۷۶.
2. Conflict of interests.

۳. رک. انصاری، باقر، «مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، د. ۵۲، ش. ۱، ۱۴۰۱، صص. ۲۹۷-۳۲۱؛ دشتی، محمدتقی، زهرا زندیه و محمد مهدی‌فر، «تعارض منافع در بخش عمومی: گونه‌ها و انواع مقابله‌های حقوقی (تحلیل فقهی و حقوقی)»، *پژوهش‌های نوین حقوق اداری ایران*، د. ۵، ش. ۲، ۱۴۰۲، صص. ۲۵۵-۲۸۳.
۴. برای مطالعه مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی، رک. بادینی، حسن و سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی، «تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی»، *مجله حقوقی دادگستری*، د. ۸۵، ش. ۱۱۶، ۱۴۰۰، صص. ۲۰۹-۲۳۱.

۵. برای آشنایی با اشخاص مختلف درگیر در موقعیت تعارض منافع در شرکت‌های تجاری، رک. صادقیان ندوشن، مهرداد و محمود باقری، «تعارض منافع ذی‌نفعان شرکت‌ها و راهکارهای حل آن»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، د. ۲۰، ش. ۳، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۶-۱۶۳.

انتخاب یکی از این دو منفعت است. به‌رغم اینکه اصولاً مدیران مکلف‌اند با انجام اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه از شکل‌گیری موقعیت تعارض جلوگیری کنند یا در صورت وقوع تعارض، ضمن عدم بهره‌برداری شخصی از آن موقعیت، همواره حفظ منافع شرکت را اولویت دهند، در عمل ممکن است مدیران برخلاف این وظیفه عمل کنند و منافع خود را ترجیح دهند. این امر سبب شده تا موضوع تعارض منافع مدیر و شرکت و بررسی وجوه مختلف آن مورد توجه برخی نظام‌های حقوقی همچون انگلستان قرار گرفته و به قوانین داخلی این کشورها راه یابد. در این راستا، ماده ۱۷۵ «قانون شرکت‌های انگلستان ۲۰۰۶»^۱، یکی از وظایف مدیران شرکت‌های تجاری را «وظیفه اجتناب از تعارض منافع»^۲ معرفی می‌کند و به تبیین احکام و قواعد مرتبط با آن می‌پردازد.

با عنایت به اهمیت بحث تعارض منافع در شرکت‌های تجاری، سکوت قوانین داخلی ایران^۳ و فقدان رویه قضایی قابل توجه در این زمینه، پژوهش حاضر در تلاش است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از دکتین حقوقی، قوانین و رویه قضایی موجود در انگلستان (به‌عنوان یک نظام حقوقی پیشرو در بحث تعارض منافع) قلمروی تعارض منافع مدیر و شرکت را بررسی و ضمن پاسخ‌گویی به برخی سؤالات و ابهامات موجود، به غنای ادبیات حقوقی ایران کمک نماید. در این راستا، قلمروی تعارض منافع مدیر و شرکت از جهت اشخاص درگیر (قلمرو شخصی)، مصادیق مختلف تعارض (قلمرو موضوعی) و زمان وقوع تعارض (قلمرو زمانی) مورد تحلیل و واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱. قلمرو شخصی

هدف از بررسی قلمروی شخصی تعارض منافع، شناسایی اشخاص مرتبط با موقعیت تعارض است که اصولاً به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: گروهی از اشخاص یادشده موظف‌اند تا از شکل‌گیری چنین تعارضی جلوگیری کنند یا حداقل در صورت عدم امکان جلوگیری، از آن تعارض به نفع خود استفاده نکنند.^۴ در مقابل، اشخاصی هستند که قانون‌گذار با وضع قوانین ویژه، درصدد حمایت از منافع آنان در

1. Companies Act 2006.

2. Duty to avoid conflicts of interest.

۳. گفتنی است مسئله تعارض منافع مدیر و شرکت در لایحه تجارت (مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی) مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت در خلال مباحث این پژوهش، به مواد مندرج در لایحه که با موضوع نوشتار حاضر مرتبط است نیز پرداخته خواهد شد.

4. Lipton, Phillip, Abe Herzberg and Michelle Welsh, **Understanding Company Law**, Sydney: Thomson Reuters, 2020, p. 383; Langford, Rosemary, **Company Directors' Duties and Conflicts of Interest**, UK: Oxford University Press, 2019, p. 89.

موقعیت تعارض است. بنابراین در ادامه و در دو قسمت (تعارض مستقیم و غیرمستقیم)، قلمروی شخصی تعارض منافع مدیر و شرکت و احکام مرتبط با آن تبیین خواهد شد.

۱.۱. تعارض مستقیم

تعارض مستقیم زمانی رخ می‌دهد که منافع مدیر با منافع شرکت بدون واسطه در تعارض باشد؛ یعنی مدیر در عین حفاظت از منافع شرکت، باید تصمیماتی بگیرد که بر منافع شخصی‌اش هم تأثیر می‌گذارد. در این نوع تعارض، باوجود وضوح نقش مدیر و شرکت، شناسایی مفهوم شرکت و همچنین مدیران و اقسام آن ضروری است.

۱.۱.۱. شرکت تجاری

در حقوق انگلستان، شرکت‌های تجاری شخصیت حقوقی مستقل از شرکا و سهامداران دارند.^۱ در قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ نیز ضمن معرفی اقسام شرکت‌های تجاری (مواد ۳ تا ۵)؛ وفق بند نخست ماده ۱ این قانون، صراحتاً شرکتی مشمول مقررات قانون شرکت‌های تجاری دانسته شده که مطابق مقررات قانون یادشده، تشکیل و ثبت شده باشد. بنابراین، رعایت مقررات قانونی جهت به رسمیت شناختن یک شرکت تجاری ضروری است. البته در برخی موارد استثنایی، به‌رغم عدم تشکیل یا ثبت شرکت، همچنان این شرکت‌ها مشمول مقررات قانونی خواهند بود که تفصیل آن در بند دوم ماده ۱ این قانون قابل ملاحظه است.

در قوانین ایران نیز هرچند تعریف صریحی از شرکت تجاری مشاهده نمی‌شود،^۲ بااین حال مقنن در ماده ۲۰ قانون تجارت به معرفی اقسام شرکت‌های تجاری پرداخته است. به‌علاوه در مقررات مربوط به هر شرکت، می‌توان تعریفی از شرکت‌های مزبور ملاحظه کرد.

با عنایت به اینکه برخلاف نظام حقوقی انگلستان، در حقوق ایران معمولاً تشکیل شرکت ملازمه با ثبت آن ندارد و از طرفی قانون‌گذار در ماده ۲۲۰ قانون تجارت از شرکت‌هایی سخن گفته که به‌رغم

1. Wild, Charles, Stuart Weinstein and Josephine Bisacre, **Smith and Keenan's Company Law**, Pearson Education Limited, 2009, pp. 1-2; Bourne, Nicholas, **Essential Company Law**, UK: Cavendish Publishing Limited, 2000, pp. 1-2.

۲. برای ملاحظه تعاریف نویسندگان از شرکت تجاری، رک. ستوده تهرانی، حسن، **حقوق تجارت**، ج. ۲، چ. ۲۵، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹، ص. ۲۱؛ عیسائی تفرشی، محمد، **حقوق شرکت‌های تجاری**، ج. ۱، چ. ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۷؛ پاسبان، محمدرضا، **حقوق تجارت**، ج. ۱، چ. ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۱، صص. ۶۴-۶۲.

اشتغال به امور تجاری، خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون درنیاورده و از مقررات مربوط به آن شرکت تبعیت نمی‌کند، بررسی وضعیت تعارض منافع مدیر و شرکت در این نوع شرکت‌ها که در دکتترین حقوقی از آن با عنوان «شرکت عملی» یاد می‌شود، ضروری می‌نماید.

شرکت عملی عنوانی است که با وجود عدم تصریح به آن در قوانین ایران، در میان نویسندگان حقوق داخلی نامی شناخته شده است؛ شرکتی که خارج از قالب‌های مذکور در ماده ۲۰ قانون تجارت تشکیل شده و موضوع آن، انجام اعمال تجاری است. با توجه به اینکه مطابق ماده ۲۲۰، «هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آینده تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون درنیاورده... شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌شود»، در خصوص ضمانت‌اجرای عدم رعایت قواعد تشکیل شرکت‌های تجاری و در نهایت ماهیت شرکت‌های عملی میان نویسندگان حقوقی اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود.^۱ پرسش اصلی این است که آیا شرکت عملی یک شرکت مدنی است که صرفاً از نظر مسئولیت اعضا حکم شرکت تضامنی را دارد، یا مطابق ظاهر ماده ۲۲۰، از هر جهت تابع احکام شرکت‌های تضامنی و در نهایت نوعی شرکت تجاری است؟

در پاسخ به پرسش فوق، برخی^۲ معتقدند به رغم فقدان شخصیت حقوقی در این شرکت‌ها، شرکا به جهت حمایت از اشخاص ثالث، در مقابل طلبکاران مسئولیت تضامنی دارند. بنابراین، این نوع شرکت‌ها فاقد شخصیت حقوقی بوده و فقط از حیث مسئولیت اعضا، از قواعد شرکت‌های تضامنی پیروی می‌کنند. در مقابل، مطابق نظر برخی دیگر از نویسندگان،^۳ هنگامی که قانون‌گذار، شرکتی را تضامنی تلقی می‌کند، منظور آن است که شرکت مشمول کلیه مقررات مربوط به شرکت‌های تضامنی بوده و به عنوان یک شرکت تجاری دارای شخصیت حقوقی است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک. بهمنی، محمدعلی و روح‌الامین حجتی کرمانی، «چالش‌های حقوقی و فقهی شناسایی و پذیرش جوینت ونچر قراردادی و قرارداد عملیاتی مشترک نفتی در ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، د. ۲۳، ش. ۹۲، ۱۳۹۹، صص. ۲۷۳-۲۷۷.

۲. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج. ۱، ۵، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۷۹، ص. ۱۶۸؛ کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، ج. ۴، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۸.

۳. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، ج. ۱، ۱۰، ج. ۲۴، تهران: سمت، ۱۳۹۶، ص. ۸۶؛ کاتوزیان، ناصر، عقود معین (مشارکت‌ها و صلح)، ج. ۲، ۱۵، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶، صص. ۲۸-۲۹.

با وجود اختلاف نظر در مورد ماهیت شرکت‌های عملی در حقوق ایران، مقررات مرتبط با شرکت‌های قانونی از جمله لزوم اجتناب مدیران از تعارض منافع، باید در این شرکت‌ها نیز اعمال شود. این وظیفه هم یک تکلیف عمومی است و هم برای حفظ منافع شرکت و شرکا حیاتی است. بنابراین ماهیت شرکت عملی، مانع اجرای احکام تعارض منافع نیست.

۱.۱.۲. مدیر

در تبیین مفهوم مدیر شرکت، به رغم ارائه تعاریف متفاوت در نظام‌های حقوقی مختلف، عنوان مدیر از گستره مفهومی وسیعی برخوردار است. این عنوان نه فقط اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل، بلکه هر شخصی را که با هر عنوانی فعالیت مدیریتی انجام می‌دهد، دربرمی‌گیرد. این گستردگی به دلیل اهمیت وظایف و نفوذ مدیران در شرکت است. بنابراین ضروری است اصطلاح مدیر را فراتر از افرادی دانست که به طور رسمی به مدیریت شرکت منصوب می‌شوند. از این رو، در یکی از آرای صادره از محاکم انگلستان^۱ احکام تعارض منافع به افرادی که وظایف مدیران را انجام می‌دهند و نیز افرادی که «نفوذ واقعی در امور شرکتی»^۲ دارند گسترش می‌یابد.

برخلاف قانون تجارت ایران که بدون ارائه تعریفی از اصطلاح مدیر^۳ از عناوین مدیر، هیئت‌مدیره و مدیرعامل نام برده، تعریف قانونی اصطلاح یادشده در قانون شرکت‌های انگلستان قابل توجه است. در ماده ۲۵۰ قانون شرکت‌های انگلستان، عنوان مدیر شامل هر شخصی است که با هر نام و عنوانی به امور مدیریتی مشغول است و اصطلاح یادشده منحصر به دو رکن هیئت‌مدیره و مدیرعامل نیست. پذیرش این تعریف گسترده از مفهوم مدیر در قانون شرکت‌های انگلستان، سبب شده تا در مواد بعدی این قانون، از مدیرانی صحبت شود که گرچه به عنوان مدیران رسمی شرکت شناخته نمی‌شوند، اما تکلیف اجتناب از تعارض منافع متوجه آنان نیز است که در این خصوص می‌توان به «مدیر سایه»^۴ که در بند نخست ماده ۲۵۱ قانون شرکت‌های انگلستان تصریح شده است، اشاره کرد. مدیر سایه شخصی است که مدیران شرکت حسب عادت، به دستورهای و راهنمایی وی عمل می‌کنند و مطابق با ماده ۱۷۰(۵) قانون یادشده، وظیفه اجتناب از تعارض منافع، متوجه این دسته از مدیران نیز است.

1. Langford, Rosemary, *op. cit.*, p. 60.

2. Secretary of State for Trade and Industry v Devereil [2001] Ch 340 [35].

۳. در تبصره ۱ از ماده ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸، مدیر کسی دانسته شده که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارا است.

4. Shadow director

در حقوق انگلستان از مدیران دیگری با عنوان «مدیر عملی» نیز یاد می‌شود که هرچند در قانون مورد اشاره قرار نگرفته، اما در رویه عرفی شرکت‌ها و دکترین حقوقی، عنوانی شناخته شده و مورد استفاده است؛ مدیری که «با اختیار کامل و به صورت مستقل، فعل مثبتی در جهت اداره کردن و هدایت (شرکت) انجام می‌دهد»^۱ به عبارت دیگر، این دسته از مدیران گرچه از تمام اختیارات و وظایف یک مدیر واقعی برخوردارند، هیچ‌گاه به طور قانونی به سمت مدیریت منصوب نمی‌شوند.^۲ مدیران سایه و مدیران عملی در نحوه عمل تفاوت دارند. مدیر سایه به طور غیرمستقیم و از طریق مدیران رسمی قدرت را اعمال می‌کند؛ درحالی‌که مدیر عملی مستقیماً امور را انجام می‌دهد. بنابراین تفاوت او با مدیر قانونی تنها در عدم انتصاب رسمی است.

در مقام جمع‌بندی، از آنجا که هدف از گسترش مفهومی مدیر شرکت جلوگیری از تقلب و حفظ منافع شرکت است، عنوان مدیر شرکت محدود به هیئت‌مدیره و مدیرعامل نیست و دربرگیرنده تمام اشخاصی است که با هر عنوان و به هر نحو با مدیریت و فعالیت‌های مدیریتی شرکت ارتباط داشته و صاحب‌نفوذند.^۳ بنابراین، الزام آنان به اجتناب از تعارض منافع، ضروری است.

گفتنی است در لزوم اجتناب از تعارض منافع توسط مدیران، تفاوتی میان «مدیر موظف»^۴ و «غیرموظف»^۵ نیست. مدیران موظف برخلاف مدیران غیرموظف، به منظور مدیریت شرکت استخدام می‌شوند؛ حال آنکه مدیران غیرموظف رابطه استخدامی با شرکت ندارند و در مقایسه با مدیران موظف، اختیارات مدیریتی کمتری دارند.^۶

در حقوق ایران، به تفاوت مدیر موظف و غیرموظف، تصریح نشده و از ماده ۱۳۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز تنها تفاوت‌های میان این دسته از مدیران از جهت حقوق و مزایا قابل دریافت است.

۱. حسینی، پیمان، «مفهوم مدیر عملی و مقایسه مسئولیت او با مدیر قانونی در شرکت‌های تجاری»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، د. ۲، ش. ۱، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۱.

2. See, Goulding, Simon, **Company Law**, UK: Cavendish Publishing Limited, 1999, p. 84; Ridley, Ann and Chris Shepherd, **Key Facts Key Cases Company Law**. London & New York: Routledge, 2015, p. 175.

۳. برای مطالعه بیشتر درخصوص اقسام مدیران در شرکت‌های تجاری، ر.ک. عیسائی تفرشی، محمد و حبیب رضائی اکردی، «مفهوم و مسئولیت مدیر سایه در حقوق شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د. ۱۷، ش. ۳، ۱۳۹۲، صص. ۱۱۵-۱۱۸.

4. Executive director

5. Non-executive director

6. Keay, Andrew, **Company Directors' Liability and Creditor Protection**, New York: Informa Law from Routledge, 2023, pp. 8-13; Dignam, Alan and John Lowry, **Company Law**, UK: Oxford University Press, 2012, pp. 296-297.

باوجود این، از این نظر که تفاوت قابل توجهی میان وظایف و مسئولیت‌های مدیران یادشده مشاهده نمی‌شود، هر دو به اجتناب از تعارض منافع مکلف‌اند. مشابه این نظر را در رویه قضایی انگلستان و در پرونده‌ای در سال ۲۰۰۷^۱ می‌توان ملاحظه کرد که قاضی، مدیران غیرموظف را همانند مدیران موظف، مکلف به حفظ امانت‌داری در قبال شرکت دانست و از این حیث تفاوتی قائل نبود.^۲

۱.۲. تعارض غیرمستقیم

مراد از تعارض غیرمستقیم موقعیتی است که ارتباط شرکت و یکی از اشخاص مرتبط با مدیر، اسباب وقوع تعارض میان منافع مدیر و شرکت را فراهم می‌آورد و تعارض بدون دخالت مستقیم مدیر به وقوع می‌پیوندد. در این راستا، به اعتقاد برخی^۳، مدیران موظف‌اند هرگونه روابط احتمالی افراد مرتبط با خود و شرکت را بررسی و اعلام کنند تا از وقوع تعارض منافع جلوگیری شود.

در حقوق ایران، تعارض منافع و اقسام آن مورد تصریح قانونگذار قرار نگرفته است، اما از برخی مواد قانون تجارت می‌توان ممنوعیت‌هایی را در ارتباط با تعارض غیرمستقیم مشاهده کرد. ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت درخصوص ممنوعیت معامله غیرمستقیم مدیران با شرکت و ماده ۱۳۲ در باب ممنوعیت دریافت وام یا اعتبار از شرکت توسط نمایندگان یا برخی از خویشاوندان وی از موارد قابل اشاره است.

در قانون شرکت‌های انگلستان نیز به‌رغم فقدان تقسیم‌بندی صریح از تعارض، ممنوعیت تعارض غیرمستقیم را می‌توان از بند نخست ماده ۱۷۵ برداشت کرد؛ به‌موجب این ماده، لازم است مدیر شرکت از موقعیت‌هایی که در آن نفع مستقیم یا غیرمستقیم دارد و با منافع شرکت در تعارض است، خودداری کند. در این رابطه، در پرونده آبردین^۴ شرکتی، قراردادی برای خرید صندلی با یک شرکت دیگر منعقد کرد که در آن زمان یکی از مدیران شرکت خریدار، شریک شرکت طرف قرارداد بود. مطابق با حکم دادگاه، از آنجاکه در این پرونده، وظیفه مدیر از یک‌سو او را در قبال شرکت، ملزم به تهیه این صندلی‌ها با کمترین قیمت ممکن می‌کرد و از سوی دیگر نفع شخصی مدیر، وی را وادار می‌کرد تا قیمت را تا حد امکان بالا نگه دارد، شرکت خریدار می‌توانست از پذیرش این قرارداد اجتناب کند؛ زیرا در نظر قاضی پرونده، «شرکت به‌واسطه نمایندگان خود عمل می‌کند و نمایندگان موظف‌اند تا به بهترین شکل ممکن

1. Commonwealth Oil & Gas Co Ltd v Baxter [2007] CSOH 198.

2. Goddard, Robert, "Directors' duties", *Edinburgh Law Review*, Vol. 12, No. 3, 2008, pp. 469-470

3. Shopovski, Jovan, "Directors' Conflicts of Interest: Different European Legal Perspectives", *Beijing Law Review*, Vol. 4, No. 2, 2013, p. 175.

4. Aberdeen Rly Co v. Blaikie Bros (1854) 1 Macq 461.

برای ارتقای منافع شرکتی که امور آن را انجام می‌دهند، اقدام نمایند.^۱ بنابراین هنگامی که روابطی میان شرکت و اشخاص مرتبط با مدیر شکل می‌گیرد، لازم است برای جلوگیری از ایجاد تعارض منفعت، مدیران اطلاعات لازم را در اختیار شرکت قرار دهند. باین‌حال، حفظ حقوق مدیران و اشخاص مرتبط با مدیر ایجاب می‌کند که مقصود از اشخاص اخیر را مشخص کرد. در این خصوص، مواد ۲۵۲ به بعد قانون شرکت‌های انگلستان، به تعریف «اشخاص مرتبط^۲» با مدیر پرداخته است. بر مبنای این ماده، در معرفی اشخاص مرتبط با مدیران، به اعضای خانواده مدیر نظیر همسر و فرزندان (ماده ۲۵۳)، شرکتی که مدیر در آن ذی‌نفع است (ماده ۲۵۴)، شرکای مدیر (ماده ۲۵۳) و ... اشاره شده است. بنابراین در نظام حقوقی انگلستان و با بهره‌گیری از مواد یادشده، می‌توان مصادیق اشخاص مسبب ایجاد تعارض غیرمستقیم را شناسایی کرد.

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، در حقوق ایران نیز تعیین معیار برای شناسایی اشخاص مرتبط با مدیر بایسته می‌نماید. در این راستا، معیار «مسئولیت مدیر در تأمین یا حفاظت از منافع اشخاص» قابل ذکر است^۳ که در صورت وجود چنین مسئولیتی برای مدیر، وی مکلف است مراتب را به اطلاع شرکت برساند. در نقد این دیدگاه، باید گفت صرف مسئولیت مدیر در تأمین یا حفاظت از منافع سایرین برای شناسایی اشخاص مرتبط کافی نیست و باید به این نکته توجه کرد که آیا در اثر تأمین منافع این اشخاص، نفعی نیز عاید مدیر می‌شود یا خیر. زیرا صرف مسئولیت مدیر در تأمین منفعت این اشخاص، ملازمه‌ای با کسب منفعت توسط وی ندارد. بنابراین، در شناسایی تعارض غیرمستقیم و در نتیجه مسئولیت مدیران، آنچه ضروری است «موقعیت کسب منفعتی است که در اثر ارتباط شخص وابسته به مدیر و شرکت برای مدیر شکل می‌گیرد» و از این‌رو مدیر مکلف به اجتناب از موقعیت فراهم شده و سود ناشی از آن خواهد بود.

۲. قلمرو موضوعی

به دلیل گوناگونی مصادیق تعارض منافع و اهمیت شناسایی آنها، می‌توان انواع تعارض منافع مدیر و شرکت را به سه دسته اصلی تقسیم کرد: امور مالی، امور متضمن رقابت با شرکت، و تعهدات مربوط به حفظ اطلاعات و فرصت‌های شرکت (محرمانگی).

1. Goulding, Simon, *op. cit.* p. 271.

2. Connected persons

۳. آنامردنژاد، داود، سام محمدی و سیدحسن حسینی مقدم، «ضرورت قانونگذاری در مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع»، *مطالعات حقوقی*، د. ۱۳، ش. ۴، ۱۴۰۰، ص ۷.

۲.۱. تعارض مالی

تعارض مالی زمانی رخ می‌دهد که مدیر، منافع مالی شخصی خود را بر منافع شرکت ترجیح دهد. این نوع تعارض، که به کسب سود مالی مربوط می‌شود، شامل مواردی مانند ممنوعیت معامله مدیر با شرکت و دریافت وام از شرکت است.

در ممنوعیت انعقاد معامله مدیر و شرکت، از معاملاتی سخن گفته می‌شود که میان مدیر با شرکت یا اشخاصی با شرکت منعقد می‌شود که مدیر به‌نحوی در آن معاملات ذی‌نفع است. در معاملات یادشده، همواره این تهدید بالقوه وجود دارد که تصمیمات مدیران به دلیل وجود تعارض منافع، برخلاف منافع شرکت باشد.^۱ بنابراین در نظر برخی^۲ منع معامله مدیر با شرکت براساس این اصل است که امین نباید در موقعیت تعارض منافع و وظایف قرار گیرد. بنابراین، هرگونه معامله مستقیم یا غیرمستقیم مدیر با شرکت، مگر با رعایت شرایط و ضوابط قانونی، ممنوع است.

در حقوق ایران، مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت، معامله مدیر با شرکت را ممنوع کرده، مگر با مجوز هیئت‌مدیره یا مجمع عمومی. همچنین این ممنوعیت شامل معاملاتی می‌شود که مدیر یا شرکت‌های وابسته به او به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن معامله ذی‌نفع باشند. ممنوعیت مندرج در مواد مذکور، در ماده ۵۸۶ لایحه تجارت^۳ نیز تکرار شده، با این تفاوت که احکام مواد ۱۲۹ به بعد، ناظر بر شرکت‌های سهامی است؛ درحالی‌که ماده ۵۸۶، ضمن گسترش تنوع اشخاص ممنوع از معامله، حکم مزبور را به‌عنوان قاعده عام در فصل «احکام مشترک شرکت‌های تجاری»، به همه شرکت‌های تجاری تسری داده است.

درخصوص دریافت وام از شرکت، به‌موجب ماده ۱۳۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت، مدیران جز در موارد استثنایی حق دریافت وام از شرکت را ندارند و شرکت نیز نمی‌تواند دیون ایشان را تضمین کند و

1. See, Hopt, Klaus. J., "Conflict of Interest, Secrecy and Insider Information of Directors, A Comparative Analysis", *European Company and Financial Law Review*, Vol. 10, No. 2, 2013, p. 177.
2. Lee, Rebecca Wing Chi, "Fiduciary duty without equity: fiduciary duties of directors under the revised company law of the prc", *Virginia Journal of International Law*, Vol. 47, No. 4, 2007, p. 913.
۳. «شرکا و یا سهامدارانی که بیش از ده درصد سرمایه شرکت را دارند و نیز مدیر یا هریک از اعضای هیئت‌مدیره شرکت و نمایندگان حقیقی اعضای حقوقی هیئت‌مدیره، مدیرعامل، شرکت مادر و شرکت‌های فرعی و یا وابسته شرکت و نیز اشخاص حقوقی که هریک از اشخاص مذکور مدیر، مدیرعامل، شرکت مادر، فرعی و یا وابسته آنها هستند، نمی‌توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌شود، بدون اجازه هیئت‌مدیره به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، طرف معامله واقع و یا در آن سهیم شوند».

این گونه عملیات به خودی خود بی اعتبار است. ماده ۵۹۱ لایحه تجارت^۱ نیز دریافت وام و اعتبار از شرکت توسط مدیران شرکت‌های تجاری و نیز تضمین دیون و تعهدات آنان توسط شرکت را ممنوع دانسته و بر بطلان آن تصریح کرده است. ظاهراً ضمانت اجرای یادشده، مبتنی بر قاعده منع معامله مدیر با شرکت است؛ زیرا مدیر به عنوان وکیل و نماینده شرکت، در موقعیتی قرار می‌گیرد که احتمال وقوع تعارض بین منافع او و شرکت را افزایش خواهد داد.

به این مناسبت گفتنی است، در مواردی رویه قضایی برای جبران خلأ مقررات تجاری در حوزه تعارض منافع، به مبانی دیگری متوسل شده است؛ در این راستا سؤال شده است که چنانچه به موجب اساسنامه شرکت، انتقال سهام منوط به موافقت هیئت مدیره باشد، آیا مدیری که خود اقدام به انتقال سهام نموده، در هیئت مدیره حق رأی دارد؟ نظر مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱ ممنوعیت مدیر از حق رأی را نیازمند تصریح قانون دانسته و در فرض سؤال به شرط تحقق سوءاستفاده از حق، به استناد اصل ۴۰ قانون اساسی، نظر به ممنوعیت وی از حق رأی داده است. تفاوت مشهود مبنای اخیر با مبنای تعارض منافع، در این است که استناد به اصل ۴۰، مستلزم احراز سوءاستفاده از حق است؛ امری که زمینه جلوگیری از تعارض منافع را محدود می‌کند.

در حقوق انگلستان نیز گرچه احکام تعارض منافع در حقوق شرکت‌ها و به ویژه ارتباط میان مدیران و شرکت از جایگاه مهمی برخوردار است؛ با این حال، مستند به مواد ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲ و ۱۹۰ قانون شرکت‌های انگلستان، معاملات مدیران با شرکت با رعایت شرایطی، مجاز دانسته شده است. بدین صورت که مدیر مکلف است پیش از انعقاد قرارداد یا درخصوص قراردادهای موجود، نفع مستقیم یا غیرمستقیم خود در معاملات را افشا و اعلام کند.

در مورد وضعیت دریافت وام و تضمین دیون مدیران توسط شرکت، مطابق بند نخست ماده ۱۹۷ قانون شرکت‌های انگلستان، اعطای وام از طرف شرکت به مدیر و همچنین تضمین دیون مدیر توسط شرکت ممنوع است، مگر اینکه با مصوبه اعضای شرکت (مجمع عمومی) چنین اقدامی از قبل تأیید شده

۱. «دریافت وام یا اعتبار از شرکت برای اشخاص مذکور در ماده ۵۸۶ این قانون و نیز تضمین دیون و تعهدات اشخاص مذکور توسط شرکت ممنوع و باطل است. این ممنوعیت شامل همسر و بستگان نسبی و سببی اشخاص حقیقی مذکور در ماده ۵۸۶ این قانون تا درجه سوم از طبقات سه گانه ارث، می‌شود. تضمین دیون و تعهدات شرکت توسط شرکت مادر یا اعطای وام توسط شرکت مادر به شرکت‌های تابع بلامانع است».

باشد. البته مطابق با بند ۴ این ماده، لازم است پیش از هرگونه موافقت در این زمینه، مواردی از قبیل ماهیت معامله مدیر، میزان وام و هدف مدیر از اخذ آن مشخص و به اطلاع اعضای تصمیم‌گیرنده برسد.

۲.۲. تعارض رقابتی

ممنوعیت رقابت مدیر با شرکت به این علت است که اصولاً رقابت به جهت کسب منفعت صورت می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود تا در تقابل میان منفعت شخصی مدیر و منفعت شرکت، مدیر منفعت شخصی خود را اولویت دهد.^۱ براین اساس، هرچند رقابت مدیر با شرکت در قانون شرکت‌های انگلستان صریحاً منع نشده، این ممنوعیت از ماده ۱۷۵ قانون یادشده مبنی بر لزوم اجتناب مدیران از تعارض منافع و با استناد به نظریات دکتربین حقوقی و آرای صادره از محاکم این کشور^۲ قابل اثبات است.^۳

در حقوق ایران، منع رقابت در برخی شرکت‌های تجاری در مواد ۱۳۴، ۱۷۲ و ۱۸۹ قانون تجارت و ماده ۱۳۳ لایحه اصلاحی آن، پذیرفته شده است. به موجب ماده ۱۳۴، در شرکت تضامنی، «هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا ... تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود». مطابق ماده ۱۷۲ و ۱۸۹، حکم ماده ۱۳۴ در مورد شرکای ضامن شرکت‌های مختلط سهامی و شرکت‌های نسبی نیز جاری است. در شرکت‌های سهامی نیز وفق ماده ۱۳۳ لایحه اصلاحی، «مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند». بنابراین به غیر از شرکت با مسئولیت محدود و شرکت مختلط غیرسهامی، رقابت در سایر شرکت‌ها با منع قانونی همراه است که البته شایسته است حکم منع رقابت در همه شرکت‌ها مقرر شود.

باتوجه به ماده ۱۷۲ که از شمول حکم ماده ۱۳۴ درباره شرکای ضامن سخن گفته است، برداشت می‌شود که هدف ماده ۱۳۴ در شرکت‌های تضامنی، نسبی و مختلط سهامی، حمایت از شرکاست؛ درحالی که، منافع جمعی شرکت ایجاب می‌کند که منع رقابت برای حمایت از خود شرکت الزامی باشد. همچنین، باید توجه کرد که منع رقابت فقط محدود به معاملات اشخاص یادشده با شرکت نیست و لازم است دایره مصادیق ممنوعه را گسترده‌تر در نظر گرفت. بنابراین، رقابت مدیر با شرکت صرفاً محدود

1. Pettet, Ben, **Company Law**, Pearson Education Limited, 2005, p. 172.

2. CMS Dolphin Ltd v Simonet

۳. رک. مقدم، عیسی، «مطالعه تطبیقی رقابت مدیر شرکت تجاری با شرکت از طریق انجام معاملاتی مشابه معاملات شرکت در حقوق انگلیس و ایالات متحده آمریکا و ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، د. ۱۲، ش. ۱، ۱۴۰۰، صص. ۳۵۵-۳۵۳.

مورد مذکور در ماده ۱۳۳ نبوده و به‌طور کلی رقابت از طریق (۱) انجام فعالیت مشابه با موضوع شرکت، یا (۲) فعالیت در قامت مدیریت شرکت رقیب، سبب شکل‌گیری موقعیت تعارض خواهد شد.

در مورد نخست، مدیر از انجام فعالیت‌های مشابه با موضوع شرکت منع شده است. شاید در بدو امر، این ممنوعیت با چالش زیادی مواجه نباشد، اما حفظ حقوق مدیر شرکت ایجاب می‌کند که به‌طور دقیق‌تر، حدود فعالیت‌های متضمن رقابت مشخص شود و معیاری برای شناسایی «فعالیت‌های مشابه» ارائه شود. در این راستا، ضمن تأیید دیدگاه برخی،^۱ که شباهت را یک مفهوم عرفی دانسته و برای شناسایی معاملات مشابه با موضوع شرکت، دآوری عرف را برگزیده‌اند، مقصود از فعالیت‌های مشابه، آن دسته فعالیت‌هایی است که مطابق با اساسنامه شرکت، مرتبط با موضوع شرکت است و فعالیت مدیر در همان زمینه، اسباب ضرر و به‌نحوی کاهش منفعت شرکت را فراهم می‌آورد. علت این حکم نیز آگاهی مدیر رقیب از اطلاعات مهم شرکت و البته ضعف‌های آن است که امر رقابت و کسب سود را برای مدیر تسهیل می‌کند. بنابراین برای پرهیز از چنین امری، مدیر صرفاً از انجام فعالیت‌های مرتبط با موضوع شرکت منع شده و چنانچه مشخص شود که فعالیت مورد نظر، مرتبط با موضوع شرکت نیست، ممنوعیت مدیر از فعالیت منطقی نخواهد بود. حتی صرف شباهت فعالیت مدیر با شرکت دلیل کافی برای منع رقابت نیست؛ زیرا هدف اصلی حفظ منافع شرکت است؛ البته می‌توان زبان‌بار بودن فعالیت مشابه را مفروض دانست و اثبات خلاف آن را بر عهده مدیر گذاشت تا به‌نحوی از شرکت نیز حمایت کرد.

در مورد قسم دوم از تعارض رقابتی نیز فعالیت در دو شرکت رقیب سبب شکل‌گیری موقعیت تعارض دانسته شده است. هرچند صرف این فعالیت فی‌نفسه مشکل‌ساز نیست، در مواردی مانند مدیریت هم‌زمان دو شرکت رقیب، وظایف مدیر در یک شرکت می‌تواند با وظایف او در شرکت دیگر تعارض پیدا کند^۲ و موجب شود تا مدیر در رویارویی منافع دو شرکت، یک شرکت را بر دیگری، و منافع یکی از آن دو را ترجیح دهد. در این فرض، گرچه ظاهراً سخن از تعارض میان منافع دو شرکت است و منفعت شخصی مدیر مطرح نیست تا مسئله تعارض منافع مدیر و شرکت پیش آید؛ باید دانست که هنگام ترجیح یک شرکت بر دیگری، مدیر به این نکته نیز توجه دارد که منافع او در اثر موفقیت کدام شرکت بیشتر تأمین می‌شود. بنابراین در این مورد نیز منفعت مدیر، هرچند به‌صورت غیرمستقیم، مورد توجه است. شاید بر همین اساس، در ماده ۱۲۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت، مدیرعامل شرکت‌های سهامی از مدیریت

۱. مقدم، عیسی، همان منبع، ص. ۳۵۹.

2. Pettet, Ben, *op. cit.*, p. 172.

عاملی بیش از یک شرکت منع شده است. البته با عنایت به وحدت ملاک میان مدیر عامل و هیئت‌مدیره در این زمینه، محدود کردن این حکم به مدیرعامل شایسته نیست. این نقیصه در ماده ۵۶۷ لایحه تجارت رفع شده است و به موجب آن، هیچ شخص حقیقی نمی‌تواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی، هم‌زمان در بیش از یک شرکت به عنوان مدیر عامل، قائم مقام وی یا عضو هیئت‌مدیره انتخاب شود. در ماده ۵۹۲ لایحه تجارت،^۱ مقنن با اتخاذ نگاهی جامع به بحث ممنوعیت رقابت مدیر و شرکت، علاوه بر اینکه مدیران را از انجام معاملات متضمن رقابت با شرکت منع کرده، بر ممنوعیت عضویت مدیران در شرکت‌های رقیب نیز تأکید داشته است. البته موارد مذکور در صورت مجوز مجمع عمومی عادی، ممنوع نخواهد بود.

۲.۳. تعارض محرمانگی

تعارض محرمانگی، شامل تعهد به حفظ اطلاعات و فرصت‌های شرکت است. مدیران باید اطلاعات شرکت را محرمانه نگاه دارند و از آنها به نفع خود استفاده نکنند. همچنین، ایشان مجوز بهره‌برداری شخصی از فرصت‌های سودآور شرکت را نیز ندارند.

الزام مدیران به حفظ اطلاعات شرکت و عدم استفاده شخصی از آن، از اصول مهمی است که نقض آن، فعالیت‌های شرکت را با مشکل مواجه خواهد کرد.^۲ زیرا «اطلاعات، ارزشمندترین دارایی در بازار رقابت است»^۳ و مدیران شرکت نخستین افرادی‌اند که از تمام اطلاعات و به‌ویژه اطلاعات مهم و دسته اول شرکت آگاه می‌شوند. البته آن‌گونه که برخی^۴ بیان کرده‌اند، مسئولیت مدیر به حفظ اطلاعات شرکت، تمام اطلاعات درونی و بیرونی مرتبط با شرکت را شامل می‌شود؛ مگر زمانی که این اطلاعات به‌نحوی در اختیار عموم مردم قرار گرفته باشد؛ زیرا وظیفه مدیر به حفظ اطلاعاتی که سابقاً منتشر شده است، موجه نیست. ضمن تأیید دیدگاه یادشده، به نظر می‌رسد ممنوعیت بهره‌برداری شخصی مدیران از اطلاعات شرکت زمانی اعمال می‌شود که استفاده از این اطلاعات، عامل اصلی نفع شخصی مدیر باشد و

۱. «مدیر یا اعضای هیئت‌مدیره شرکت نمی‌توانند به عضویت در هیئت‌مدیره یا مدیریت عاملی شرکتی با موضوع فعالیت مشابه و متضمن رقابت با آن شرکت در آمده و یا معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، انجام دهند. مگر اینکه مجمع عمومی عادی آن را اجازه دهد».

2. Hopt, Klaus, *op. cit.*, pp. 183-184.

۳. عزیززاده، فاطمه، علی رضایی و حجت مبین، «بررسی چالش‌ها و موانع دسترسی به اطلاعات شرکت‌های تجاری توسط ذی‌نفعان»، فصلنامه مجلس و راهبرد، د. ۳۰، ش. ۱۳۰، ۱۴۰۲، ص. ۲۶۵.

4. Hopt, Klaus, *op. cit.*, p. 184.

به منافع شرکت آسیب برساند. البته برای حمایت از شرکت، می‌توان این موضوع را مفروض دانست و اثبات خلاف آن را برعهده مدیر گذاشت.

هرچند منع بهره‌برداری از اطلاعات شرکت، به نحوی ممنوعیت کسب فرصت را نیز دربرمی‌گیرد، این موضوع در حقوق آمریکا و انگلستان، به طور مستقل و تحت عنوان «دکترین فرصت‌های شرکتی»^۱ مطرح شده است. توضیح اینکه مدیران وظیفه دارند از فرصت‌هایی^۲ که برای شرکت ایجاد می‌شود، به نفع خود استفاده نکنند.^۳ به عنوان نمونه در پرونده‌ای در سال ۲۰۰۳ پس از عدم موفقیت یک شرکت خانوادگی، تصمیم گرفته شد که شرکت دیگر ملکی خریداری نکند. باین حال، یکی از مدیران، ملکی را در مجاورت املاک شرکت، با قیمتی مناسب و برای خودش خرید. به گفته قاضی، مدیر خود را در موقعیتی قرار داده بود که منافع شخصی او با وظیفه‌اش در قبال شرکت در تضاد بود؛ چون مدیر به اطلاعات تجاری مهمی دسترسی داشت که باید به شرکت اطلاع می‌داد.^۴

از آنجا که پذیرش ممنوعیت بهره‌برداری از هرگونه فرصت متعلق به شرکت، ممکن است از جهت گستردگی قلمرو، دایره فعالیت مدیر را محدود کند، بایسته است در معیارهایی برای تعیین قلمروی مزبور جست‌وجو کرد. در این راستا، می‌توان براساس یافته‌های پژوهشی،^۵ از دو معیار «توانایی حقوقی» و «توانایی عملی» نام برد.

1. The corporate opportunity doctrine

شایان ذکر است که منع استفاده از فرصت‌های متعلق به شرکت با تعارض منافعی رقابتی، هم‌پوشانی بسیاری دارد، اما از این جهت که فعالیت‌های رقابتی لزوماً شامل فرصت‌هایی برای شرکت نیستند، با یکدیگر متفاوت‌اند (رک. پاسبان، محمدرضا و صلاح محمودی، «بررسی تطبیقی وظیفه وفاداری مدیران شرکت و تأثیر آن بر مدیریت تعارض منافع و حفظ اطلاعات در حقوق ایران و انگلستان»، مجله پژوهش‌های حقوقی، د. ۲۳، ش. ۵۷، ۱۴۰۳، صص. ۴۲۵-۴۲۶).

۲. مطابق با نظر برخی (SA) Havenga, Michelle, "Directors in Competition with Their Companies", *Mercantile Law Journal*, Vol. 16, No. 2, 2004, p. 285 «فرصت شرکتی به هر فرصت اقتصادی یا تجاری اعم از دارایی یا حقوق مربوط می‌شود که متعلق به شرکت است یا شرکت به نوعی نسبت به آن ادعا دارد».

۳. مقدم، عیسی، «تصاحب فرصت بستن قرارداد متعلق به شرکت تجاری توسط مدیر و ضمانت اجرای آن (مطالعه در حقوق انگلیس و آمریکا و ایران)»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، د. ۵۰، ش. ۴، ۱۳۹۹، ص. ۸۰۴.

4. See, Dine, Janet and Marios Koutsias, *Company Law*, UK: Palgrave Macmillan Law Masters, 2014, p. 160; Roach, Lee, *Company Law Concentrate: Law Revision and Study Guide*, Oxford University Press, 2014, p. 85.

5. See, Ahren, Deirdre, "Guiding Principles for Directorial Conflicts of Interest", *The Modern Law Review*, Vol. 74, No. 4, 2011, pp. 596-616.

مقصود از معیار توانایی حقوقی، مرتبط بودن فرصت پیش آمده با موضوع شرکت است. نتیجه منطقی این معیار، عدم ممنوعیت مدیر در کسب فرصت‌های خارج از موضوع شرکت است؛^۱ زیرا شرکت خارج از موضوع خود، فاقد اهلیت است و مقصود از موضوع نیز فعالیتی است که شرکت برای انجام آن تشکیل می‌شود.^۲ بنابراین خارج از محدوده مذکور که شرکت توان انجام فعالیت یا انعقاد قرارداد ندارد، ممنوعیت مدیر نیز در این موارد فاقد وجاهت قانونی است.

منظور از توانایی عملی نیز توانایی شرکت جهت بهره‌برداری از فرصت مرتبط با موضوع شرکت است. درواقع ضروری است که شرکت، توان و قابلیت لازم برای بهره‌برداری از فرصت مرتبط با موضوع شرکت را دارا باشد. بنابراین، چنانچه شرکت به هیچ عنوان امکان استفاده از فرصت را نداشته باشد، کسب آن فرصت توسط مدیر با مانعی مواجه نخواهد بود. البته در برخی آرای قضایی انگلستان برخلاف این معیار، حکم داده شده است؛ به عنوان نمونه در پرونده اینداستریال دولوپمنت به‌رغم اینکه مدیر، به صورت شخصی و نه در مقام مدیر شرکت قرارداد را منعقد کرده بود، دادگاه حکم به استرداد سود حاصل از قرارداد به شرکت داد.^۳ بنابراین درحالی که طرف دیگر قرارداد هیچ تمایلی به انعقاد قرارداد مستقیم با شرکت نداشت و امکان انعقاد قرارداد با شرکت فراهم نبود، دادگاه این قرارداد را یک فرصت برای شرکت تلقی حکم به نفع شرکت صادر کرد.^۴ درهرحال، دیدگاه دادگاه در این پرونده قابل انتقاد است؛ نه فقط در صورت عدم توانایی شرکت در بهره‌برداری از فرصت پیش آمده، بلکه در فرضی هم که شرکت تمایلی به کسب آن فرصت ندارد، ممنوعیت مدیر شرکت منطقی نیست.

در حقوق ایران هرچند در وضعیت حقوقی کنونی، مسئله استفاده از اطلاعات و فرصت‌های شرکت توسط مدیر به سکوت برگزار شده، بند ۶ از تبصره ماده ۵۹۸ لایحه تجارت، صراحتاً ممنوعیت مدیر درخصوص سوءاستفاده یا بهره‌برداری شخصی از اطلاعات یا فرصت‌های شرکت را اعلام و بر مسئولیت مدیر دراین خصوص تأکید کرده است.

۱. مقدم، عیسی، منبع پیشین، ص. ۸۰۹؛ بهرامی، حسین، «استفاده شخصی مدیر از اطلاعات محرمانه شرکت و فرصت‌های ناشی از آن با تأملی در حقوق انگلیس»، *مطالعات حقوقی*، د. ۱۴، ش. ۳، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۲.

۲. محسنی، سعید و مهسا رباطی، «تحلیل حقوقی اختیارات مدیرعامل شرکت تجاری»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، د. ۲۶، ش. ۱۵، ۱۳۹۸، صص. ۱۶-۱۸؛ سیداحمدی سجادی، سیدعلی و عصمت دانش آرا، «نقش موضوع در اهلیت شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس با نگاهی به حقوق ایران و استرالیا»، *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، د. ۳، ش. ۱، ۱۳۹۵، ص. ۲۸.

3. Dine, Janet and Marios Koutsias, *op. cit.*, p. 159.

4. Bourne, Nicholas, *op. cit.*, p. 78.

۳. قلمرو زمانی

در مسئله تعارض منافع مدیر و شرکت، تعیین زمان وقوع تعارض برای تعیین تکلیف مدیر به اجتناب از آن، بایسته است؛ باید مشخص شود که آیا احکام تعارض فقط در صورت تعارض حال و قطعی اعمال می‌شود یا شامل احتمال وقوع تعارض در آینده نیز هست. همچنین، بررسی تکلیف یا عدم تکلیف مدیر پس از خاتمه مدیریت نیز ضروری است.

۳.۱. تعارض حال و آینده

تعارض منافع می‌تواند به لحاظ زمانی به دو نوع تعارض حال و آینده تقسیم شود. مقصود از تعارض حال، تعارضی است که هم‌اکنون میان منافع مدیر و شرکت محقق است. ولی در تعارض آینده، وقوع تعارض میان منافع مدیر و شرکت در آینده محتمل است. مطابق بخش ۱۷۵(۲) قانون شرکت‌های انگلستان مدیر باید از هرگونه تعارض احتمالی که ممکن است در آینده نیز رخ دهد، اجتناب کند. با پذیرش مسئولیت مدیر در اجتناب از تعارض احتمالی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا هر احتمال تعارض، سبب ممنوعیت مدیران از فعالیت مزبور خواهد شد؟ پاسخ این پرسش از آن نظر اهمیت دارد که گسترش این دامنه، فعالیت‌های شخصی مدیر را محدود می‌کند و بر شرکت اثر منفی می‌گذارد. لذا باید معیاری ارائه شود تا ضمن حفظ منافع شرکت، فعالیت‌های مدیر نیز محدود نشود. در این راستا، در دکتربین و رویه قضایی انگلستان، به معیار «احتمال معقول»^۱ اشاره شده است. توضیح اینکه، هرگونه احتمال تعارض باید از دیدگاه انسان عاقل و باتوجه به حقایق و شرایط مربوط به مورد خاص، «واقعی [و] معقول»^۲ باشد. معیار فوق به‌صراحت در ماده ۱۷۵ (۴) (الف) قانون شرکت‌های انگلستان نیز ذکر شده است. به این معنا که اگر وضعیت تعارض ادعایی، به‌طور منطقی نتواند به تعارض منافع منجر شود، وظیفه مندرج در ماده ۱۷۵ نقض نخواهد شد.^۳

به‌رغم سکوت قانون تجارت ایران درخصوص تعارض منافع و زمان وقوع آن، با تمسک به عموم و اطلاق احکام موجود در لایحه اصلاحی قانون تجارت درخصوص قلمروی زمانی مسئولیت‌های مدیران مانند ممنوعیت رقابت به زیان شرکت در ماده ۱۳۳ و همچنین حفظ منافع شرکت، لزوم اجتناب مدیران

1. Reasonable possibility.

2. Boardman v Phipps [1967] 2 AC 46, 124.

3. Koh, Pearlie, "A Director's Duty of Loyalty and the Relevance of the Company's Scope of Business: Cheng Wai Tao v Poon Ka Man Jason", *The Modern Law Review*, Vol. 80, No. 5, 2017, p. 942.

4. Keay, Andrew, "The Authorising of Directors' Conflicts of Interest: Getting a Balance", *Journal of Corporate Law Studies*, Vol. 12, No. 10, 2012, p. 133.

از تعارض حال و آینده و کسب منافع بالفعل و بالقوه قابل استنباط است؛ مدیر موظف است تا از هرگونه تعارض احتمالی معقول که ممکن است در آینده رخ دهد، اجتناب کند.

۳.۲. تعارض پس از خاتمه مدیریت

وضعیت تعارض منافع پس از اتمام مدیریت نیز حائز اهمیت است. به بیان دیگر، باید مشخص شود که آیا مدیر سابق، پس از استعفا یا اتمام دوره مدیریت، همچنان موظف به اجتناب از تعارض منافع مستقیم یا غیرمستقیم است یا خیر.

در قانون شرکت‌های انگلستان (بند دوم از ماده ۱۷۰)، مدیر پس از پایان مدیریت در شرکت و درخصوص بهره‌برداری از اموال، اطلاعات و فرصت‌هایی که در زمان مدیریت و به سبب آن از آن مطلع شده، موظف به اجتناب از تعارض منافع است. باین‌حال، در دکترین حقوقی و رویه قضایی انگلستان اختلاف‌نظرهایی درخصوص تکالیف مدیران مستعفی در قبال شرکت مشاهده می‌شود. برخی^۱ با اشاره به اینکه بعد از استعفا، مدیر سابق سمتی در شرکت ندارد و طبیعتاً مسئولیت‌های او نیز در شرکت خاتمه می‌یابد، معتقدند مسئولیت مدیر، منحصر به دوران مدیریت خودش بوده، در آن زمان مکلف به حفظ منافع شرکت می‌باشد. در مقابل، برخی^۲ معتقدند که استعفا لزوماً مانع مسئولیت مدیران، به‌ویژه در مورد سوءاستفاده از فرصت‌ها و منافع متعلق به شرکت نیست.

مطابق ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران، در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید، مدیران سابق همچنان مسئول امور شرکت‌اند. با مطالعه این ماده، در وهله نخست می‌توان توسعه اختیارات و مسئولیت‌های مدیران را استنباط کرد. در گام بعد، هرچند موضوع ماده، تداوم مسئولیت مدیران در صورت انقضای مدت مأموریت آنان است؛ باین‌حال، می‌توان این حکم را درمورد استعفای مدیران نیز جاری کرد. زیرا هم عقیده با برخی^۳ علت وضع ماده ۱۳۶ جلوگیری از اختلال در امور جاری شرکت در اثر فقدان رکن مدیریتی است؛ در نتیجه مدیر مستعفی تا زمان تعیین مدیر جدید، مسئول امور شرکت خواهد بود. حال چنانچه اجتناب از تعارض منافع به‌عنوان یکی از تکالیف مدیران در حقوق ایران پذیرفته شود، می‌توان با تمسک به حکم ماده ۱۳۶، تا انتخاب مدیر جدید، همچنان مدیران سابق را مکلف به اجتناب از تعارض منافع دانست.

1. Havenga, Michelle, *op. cit.*, p. 283.

2. Langford, Rosemary, *op. cit.*, pp. 67-68; Dine, Janet and Marios Koutsias, *op. cit.*, p. 164.

۳. حسنی، حسن، **حقوق تجارت**، ج ۲، چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴، صص. ۱۱۰-۱۱۱.

در مقام جمع‌بندی، حفظ حقوق مدیران ایجاب می‌کند که مسئولیت آنان برای اجتناب از موقعیت تعارض را محدود به دوران مدیریت و در نهایت تا تعیین مدیران جایگزین دانست؛ مگر در حالتی که تعارض در زمان مدیریت وی رخ داده و او به سبب جایگاه پیشین خود و پس از پایان دوره مدیریت، از منفعتی برخوردار شود. زیرا محدود کردن فعالیت مدیران پس از خروج از سمت پیشین، با آزادی آنان مغایرت دارد و به لحاظ منطقی نیز پذیرفتنی نیست. مانند این دیدگاه در پرونده^۱ کیلن^۱ نیز مطرح شده و خواننده باوجود استعفا، به این دلیل که در زمان مدیریت خود از اطلاعات مهمی آگاه شده و بعد از استعفا از آن به نفع خود استفاده کرده بود، محکوم شد.^۲

نتیجه‌گیری

در شرکت‌های تجاری، زمانی که منفعت شخصی مدیر در مقابل منفعت شرکت قرار می‌گیرد و مدیر باید یکی از دو منفعت را برگزیند، تعارض منافع مدیر و شرکت محقق می‌شود. برخلاف حقوق ایران، در انگلستان و بنا بر صراحت ماده ۱۷۵ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶، مدیران موظف‌اند تا ضمن جلوگیری از وقوع تعارض، همواره به منافع شرکت اولویت دهند. علت این تکلیف جایگاه و نفوذ مدیران در شرکت است. بنابراین حفظ منافع شرکت و سایر ذی‌نفعان ایجاب می‌کند که با وضع مقرراتی در این زمینه، از منافع آنان محافظت کرد.

تکلیف اجتناب از تعارض منافع، شامل همه اشخاصی است که با هر نام و عنوانی به امور مدیریت شرکت مشغول باشند؛ در نتیجه تکلیف یادشده، به دو رکن هیئت‌مدیره و مدیرعامل منحصر نبوده، اشخاص دیگر نظیر مدیران سایه و عملی هم به رعایت آن مکلف‌اند. البته تعارض منافع گاه به صورت غیرمستقیم و از طریق اشخاص مرتبط با مدیر نیز رخ می‌دهد. در این حالت، علاوه بر لزوم شناسایی اشخاص مرتبط با مدیر، آنچه ضروری می‌نماید «موقعیت کسب منفعتی است که در اثر ارتباط شخص وابسته به مدیر و شرکت برای مدیر شکل می‌گیرد». بنابراین، در چنین وضعیتی مدیر مکلف به اجتناب از موقعیت فراهم‌شده و سود ناشی از آن خواهد بود.

همچنین، تعارض منافع مدیر و شرکت در سه حوزه مالی، رقابتی و محرمانگی قابل تحقق است. در تعارض مالی، سخن از موقعیتی است که امکان ترجیح منافع مالی مدیر بر منافع شرکت و در نتیجه اقدام

1. Killen v Horseworld Ltd [2012] EWHC 363 (QB).

2. Bruce, Martha, **Rights and Duties of Directors 2018/19**, UK: Bloomsbury Publishing Plc, 2019, pp. 275-276.

برخلاف مصلحت شرکت، امری محتمل است. بنابراین کنترل و اعمال محدودیت بر مدیران امری بایسته است که در این رابطه، می‌توان به محدودیت‌های موجود درخصوص معاملات مدیر و شرکت و اخذ وام مدیران اشاره کرد. در تعارض رقابتی نیز با عنایت به وظیفه مدیران در حداکثرسازی منافع شرکت و حفظ حقوق سهام‌داران، مدیران از انجام هرگونه رقابت مستقیم و غیرمستقیم با شرکت ممنوع‌اند. البته این رقابت اصولاً از طریق انجام فعالیت مشابه با موضوع شرکت یا فعالیت در قامت مدیریت شرکت رقیب، سبب شکل‌گیری موقعیت تعارض خواهد شد. در نهایت، قسم سوم تعارض منافع شامل تعهد مبتنی بر حفظ اطلاعات و همچنین فرصت‌های شرکت است. بدین معنا که اولاً، مدیر شرکت تجاری باید در جهت انجام تکلیف اجتناب از تعارض، اطلاعات شرکت را محرمانه حفظ کند و از آن اطلاعات به سود خود یا دیگری بهره‌برداری نکند و ثانیاً، از آنجاکه یک شرکت در طول دوران حیات خود ممکن است با فرصت‌های مختلف و بعضاً پرسودی مواجه شود، در این موارد نیز مدیران مجاز به بهره‌برداری شخصی از این فرصت‌ها نخواهند بود. البته در مورد اخیر، این ممنوعیت زمانی بر مدیران بار می‌شود که شرکت برای استفاده از آن فرصت، توانایی عملی و حقوقی داشته و از کسب آن فرصت، منصرف نشده باشد.

توجه به این نکته نیز شایسته است که به لحاظ زمانی، اولاً تعارضی که هم‌اکنون میان منافع مدیر و شرکت محقق است و تعارضی که در آینده وقوع آن محتمل است، هر دو از اقسام تعارض منافع مدیر و شرکت به شمار می‌روند. ثانیاً، حفظ حقوق مدیران ایجاب می‌کند که مسئولیت آنان برای اجتناب از موقعیت تعارض را محدود به دوران مدیریت و در نهایت تا تعیین مدیران جایگزین دانست؛ مگر در حالتی که تعارض در زمان مدیریت وی رخ دهد و او به سبب جایگاه پیشین خود و پس از پایان دوران مدیریت، از منفعتی برخوردار شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اسکینی، ربیعا، **حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)**، ج ۱، چ ۲۴، تهران: سمت، ۱۳۹۶.
۲. پاسبان، محمدرضا، **حقوق تجارت**، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۱.
۳. حسنی، حسن، **حقوق تجارت**، ج ۲، چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴.

۴. ستوده تهرانی، حسن، **حقوق تجارت**، ج. ۱، چ. ۵، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۷۹.
۵. ستوده تهرانی، حسن، **حقوق تجارت**، ج. ۲، چ. ۲۵، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹.
۶. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، چ. ۱، تهران: اشجع، ۱۳۹۶.
۷. عیسائی تفرشی، محمد، **حقوق شرکت‌های تجاری**، ج. ۱، چ. ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶.
۸. کاتوزیان، ناصر، **عقود معین (مشارکت‌ها و صلح)**، ج. ۲، چ. ۱۵، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶.
۹. کاویانی، کوروش، **حقوق شرکت‌های تجاری**، چ. ۴، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.

مقاله

۱۰. آنامراندزاد، داود، سام محمدی و سیدحسن حسینی مقدم، «ضرورت قانونگذاری در مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع»، *مطالعات حقوقی*، د. ۱۳، ش. ۴، ۱۴۰۰، صص. ۱-۲۴.
<https://doi.org/10.22099/jls.2021.40291.4349>
۱۱. انصاری، باقر، «مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، د. ۵۲، ش. ۱، ۱۴۰۱، صص. ۲۹۷-۳۲۱.
<https://doi.org/10.22059/jpls.2020.292517.2235>
۱۲. بادینی، حسن و سعید سیاه بیدی کرمانشاهی، «تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی»، *مجله حقوقی دادگستری*، د. ۸۵، ش. ۱۱۶، ۱۴۰۰، صص. ۲۰۹-۲۳۱.
<https://doi.org/10.22106/jlj.2020.129515.3474>
۱۳. بهرامی، حسین، «استفاده شخصی مدیر از اطلاعات محرمانه شرکت و فرصت‌های ناشی از آن با تأملی در حقوق انگلیس»، *مطالعات حقوقی*، د. ۱۴، ش. ۳، ۱۴۰۱، صص. ۱۲۷-۱۶۰.
<https://doi.org/10.22099/jls.2022.40925.4423>
۱۴. بهمنی، محمدعلی و روح‌الامین حجتی کرمانی، «چالش‌های حقوقی و فقهی شناسایی و پذیرش جوینت ونچر قراردادی و قرارداد عملیاتی مشترک نفتی در ایران»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، د. ۲۳، ش. ۹۲، ۱۳۹۹، صص. ۲۷۱-۳۰۲.
<https://doi.org/10.22034/jlr.2020.184675.1542>
۱۵. پاسبان، محمدرضا و صلاح محمودی، «بررسی تطبیقی وظیفه وفاداری مدیران شرکت و تأثیر آن بر مدیریت تعارض منافع و حفظ اطلاعات در حقوق ایران و انگلستان»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، د. ۲۳، ش. ۵۷، ۱۴۰۳، صص. ۴۰۹-۴۳۸.
<https://doi.org/10.48300/jlr.2022.352833.2127>

۱۶. حسینی، پیمان، «مفهوم مدیر عملی و مقایسه مسئولیت او با مدیر قانونی در شرکت‌های تجاری»، *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، د. ۲، ش. ۱، ۱۳۹۵، صص. ۱۰۶-۱۳۷. <https://doi.org/10.22080/lps.2018.11695.1118>
۱۷. دشتی، محمدتقی، زهرا زندیه و محمد مهدی‌فر، «تعارض منافع در بخش عمومی: گونه‌ها و انواع مقابله‌های حقوقی (تحلیل فقهی و حقوقی)»، *پژوهش‌های نوین حقوق اداری/ایران*، د. ۵، ش. ۱۶، ۱۴۰۲، صص. ۲۵۵-۲۸۳. [10.22034/mral.2023.560129.1366](https://doi.org/10.22034/mral.2023.560129.1366)
۱۸. سیداحمدی سجادی، سیدعلی و عصمت دانش‌آرا، «نقش موضوع در اهلیت شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس با نگاهی به حقوق ایران و استرالیا»، *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، د. ۳، ش. ۱، ۱۳۹۵، صص. ۲۷-۵۲.
۱۹. صادقیان ندوشن، مهرداد و محمود باقری، «تعارض منافع ذی‌نفعان شرکت‌ها و راهکارهای حل آن»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، د. ۲۰، ش. ۳، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۶-۱۶۳.
۲۰. عزیززاده، فاطمه، علی رضایی و حجت مبین، «بررسی چالش‌ها و موانع دسترسی به اطلاعات شرکت‌های تجاری توسط ذی‌نفعان»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، د. ۳۰، ش. ۱۱۳، ۱۴۰۲، صص. <https://doi.org/10.22034/mr.2022.4967.4786> ۲۵۳-۲۸۷
۲۱. عیسائی تفرشی، محمد و حبیب رمضانی اکردی، «مفهوم و مسئولیت مدیر سایه در حقوق شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، د. ۱۷، ش. ۳، ۱۳۹۲، صص. ۱۱۳-۱۳۴. [20.1001.1.22516751.1392.17.3.1.4](https://doi.org/10.22034/mr.2022.4967.4786)
۲۲. محسنی، سعید و مهسا رباطی، «تحلیل حقوقی اختیارات مدیرعامل شرکت سهامی»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، د. ۲۶، ش. ۱۶، ۱۳۹۸، صص. ۱-۳۱. <https://doi.org/10.22067/le.v26i16.54045>
۲۳. مقدم، عیسی، «تصاحب فرصت بستن قرارداد متعلق به شرکت تجاری توسط مدیر و ضمانت اجرای آن (مطالعه در حقوق انگلیس و آمریکا و ایران)»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، د. ۵۰، ش. ۴، ۱۳۹۹، صص. ۸۰۳-۸۱۸. <https://doi.org/10.22059/jlq.2020.294574.1007316>
۲۴. مقدم، عیسی، «مطالعه تطبیقی رقابت مدیر شرکت تجاری با شرکت از طریق انجام معاملاتی مشابه معاملات شرکت در حقوق انگلیس و ایالات متحده آمریکا و ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، د. ۱۲، ش. ۱، ۱۴۰۰، صص. ۳۵۱-۳۶۸. <https://doi.org/10.22059/jcl.2021.310679.634078>

References:

books

1. Amid, Hassan, **Amid Persian Dictionary** (F. Ghorban Zadeh), 1th Ed, Tehran: Ashja Publishing, 2010. (In Persian)
2. Bourne, Nicholas, **Essential Company Law**, UK: Cavendish Publishing Limited, 2000.
3. Bruce, Martha, **Rights and Duties of Directors 2018/19**, UK: Bloomsbury Publishing Plc, 2019.
4. Dignam, Alan and John Lowry, **Company Law**, UK: Oxford University Press, 2012.
5. Dine, Janet and Marios Koutsias, **Company Law**, UK: Palgrave Macmillan Law Masters, 2014.
6. Erfani, Mahmoud, **Commercial Law**, Vol. 2, 3rd Ed, Tehran: Mizan Publishing, 2007. (In Persian)
7. Eskini, Rabiaa, **Commercial Law (Trading Corporations)**, Vol. 1, 24th Ed, Tehran: SAMT Publishing, 2017.
8. Goulding, Simon, **Company Law**, UK: Cavendish Publishing Limited, 1999.
9. Hasani, Hassan, **Commercial Law**, Vol. 2, 2nd Ed, Tehran: Mizan Publishing, 2015. (In Persian)
10. Isae Tafreshi, Mohammad, **Commercial Companies Law**, Vol. 1, 3rd Ed, Tarbiat Modares University Press, 2017. (In Persian)
11. Katouzian, Nasser, **Specific Contracts (Partnerships and Settlement)**, Vol. 2, 15th Ed, Tehran: Ganj-e Danesh Publishing, 2017. (In Persian)
12. Kaviani, Kourosh, **Commercial Companies Law**, 4th Ed, Tehran: Mizan Publishing, 2014. (In Persian)
13. Keay, Andrew, **Company Directors' Liability and Creditor Protection**, New York: Informa Law from Routledge, 2023.
14. Langford, Rosemary, **Company Directors' Duties and Conflicts of Interest**, UK: Oxford University Press, 2019.
15. Lipton, Phillip, Abe Herzberg and Michelle Welsh, **Understanding Company Law**, Sydney: Thomson Reuters, 2020.
16. Pasban, Mohammadreza, **Commercial Law**, Vol. 1, 1st Ed, Tehran: Ganj-e Danesh Publishing, 2022. (In Persian)
17. Pettet, Ben, **Company Law**, Pearson Education Limited, 2005.
18. Ridley, Ann and Chris Shepherd, **Key Facts Key Cases Company Law**, London & New York: Routledge, 2015.

19. Roach, Lee, **Company Law Concentrate: Law Revision and Study Guide**, Oxford University Press, 2014.
20. Setudeh Tehrani, Hassan, **Commercial Law**, Vol. 1, 5th Ed, Tehran: Dadgostar Publishing, 2004. (In Persian)
21. Setudeh Tehrani, Hassan, **Commercial Law**, Vol. 2, 25th Ed, Tehran: Dadgostar Publishing, 2010. (In Persian)
22. Wild, Charles, Stuart Weinstein and Josephine Bisacre, **Smith and Keenan's Company Law**, Pearson Education Limited, 2009.

Articles

23. Ahren, Deirdre, "Guiding Principles for Directorial Conflicts of Interest: Re Allied Business and Financial Consultants Ltd; O'Donnell v Shanahan", *The Modern Law Review*, Vol. 74, No. 4, 2011, pp. 596-607. <https://doi.org/10.1111/J.1468-2230.2011.00862.X>
24. Annamoradnejad, Davoud, Sam Mohammadi and Seyyed Hassan Hosseini Moghadam, "Legislation Necessity in Management of Conflict of Interests", *Journal of Legal Studies*, Vol. 13, No. 4, 2021, pp. 1-24. (In Persian) 10.22099/jls.2021.40291.4349.
25. Ansari, Bagher, "Managing Conflicts of Interest in the Public Sector", *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 52, No. 1, 2022, pp. 297-321. (In Persian). 10.22059/jpls.2020.292517.2235.
26. Azizzadeh, Fatemeh, Ali Rezaee, and Hojjat Mobayen, "Investigating the Challenges and Barriers of Access to the Information of Companies by Stakeholders", *Majlis and Rahbord*, Vol. 30, No. 113, 2023, pp. 253-287. (In Persian) 10.22034/mr.2022.4967.4786.
27. Badini, Hassan and Saeed Siahbidi Kermanshahi, "Analysis of the Concept and Examples of Conflict of Interest in Private Law", *The Judiciary Law Journal*, Vol. 85, No. 116, 2021, pp. 209-231. (In Persian) <https://doi.org/10.22106/jlj.2020.129515.3474>.
28. Bahmaei, Mohammad and Rooholamin Hojati Kermani, "Legal and Jurisprudential Challenges to the Recognition and Acceptance of Contractual Petroleum Joint Ventures and Petroleum Joint Operating Agreements in Iran", *Legal Research Quarterly*, Vol. 23, No. 92, 2021, pp. 271-302. (In Persian) <https://doi.org/10.22034/jlr.2020.184675.1542>.
29. Bahrami, Hossein, "Directors' Personal Use from the Confidential Information of Company and Opportunities that Result from it with Recognition in the

- British Legal System”, *Journal of Legal Studies*, Vol. 14, No. 3, 2022, pp. 127-160. (In Persian) <https://doi.org/10.22099/jls.2022.40925.4423>.
30. Dashti, Taghi, Zahra Zandie, Mohammad Mahdifar, “Conflict of Interests in the Public Sector: Types and Types of Legal Confrontations (Jurisprudential-Legal Analysis)”, *The Journal of Modern Research on Administrative Law*, Vol. 5, No. 16, 2023, pp. 255-283. (In Persian) 10.22034/mral.2023.560129.1366.
31. Esteban De La Rosa, Gloria and Shopovski, Jovan, “Directors’ Conflicts of Interest: Different European Legal Perspectives”, *Beijing Law Review*, Vol. 4, No. 4, 2013, pp. 174-179. <http://dx.doi.org/10.4236/blr.2013.44022/>
32. Goddard, Robert, “Directors’ Duties”, *Edinburgh Law Review*, Vol. 12, No. 3, 2008, pp. 468-472.
33. Havenga, Michelle, “Directors in Competition with Their Companies”, *SA Mercantile Law Journal*, Vol. 16, No. 2, 2004, pp. 275-286.
34. Hopt, Klaus. J., “Conflict of Interest, Secrecy and Insider Information of Directors, A Comparative Analysis”, *European Company and Financial Law Review*, Vol. 10, No. 2, 2013, pp. 167-193. <https://doi.org/10.1515/ecfr-2013-0167>
35. Hosseini, Peiman, “The Notion of De Facto Director and Comparison of his Liability with a De Jure Director in the Commercial Companies (A Comparative Study of Iran and French Law)”, *Journal of Comparative Law*, Vol. 2, No. 1, 2016, pp. 106-127. (In Persian) <https://doi.org/10.22080/lps.2018.11695.1118>.
36. Isaeei Tafreshi, Mohammad and Habib Ramzani Akerdi, “The Concept and Liability of Shadow Director in the Companies Law (Comparative Study in English and Iranian Law)”, Vol. 17, No. 3, 2013, pp. 113-134. (In Persian) 20.1001.1.22516751.1392.17.3.1.4
37. Keay, Andrew, “The Authorising of Directors’ Conflicts of Interest: Getting a Balance”, *Journal of Corporate Law Studies*, Vol. 12, No. 10, 2012, pp. 129-162.
38. Koh, Pearlie, “A Director’s Duty of Loyalty and the Relevance of the Company’s Scope of Business: Cheng Wai Tao v Poon Ka Man Jason”, *The Modern Law Review*, Vol. 80, No. 5, 2017, pp. 927-954.
39. Lee, Rebecca Wing Chi, “Fiduciary Duty without Equity: Fiduciary Duties of Directors under the Revised Company Law of the PRC”, *Virginia Journal of International Law*, Vol. 47, No. 4, 2007, pp. 897-926.

40. Moghaddam, Issa, "Usurping the Corporate Opportunity by Director and its Sanction (A Study in Law of English, United States & Iran)", *Private Law Studies Quarterly*, Vol. 50, No. 4, 2021, pp. 803-818. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jlq.2020.294574.1007316>
41. Moghaddam, Issa, "Comparative study of Competition of the Director of a Company with the Company through Conducting Transactions Similar to the Company's Transactions in English, United States and Iranian law", *Comparative Law Review*, Vol. 12, No. 1, 2021, pp. 351-368. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jcl.2021.310679.634078>.
42. Mohseni, Saeed and Mahsa Robati, "Legal Analysis of the Managing Director Authorities in the Private Joint Stock Company", *Encyclopedia of Economic Law Journal*, Vol. 26, No. 16, 2019, pp. 1-31. (In Persian) <https://doi.org/10.22067/le.v26i16.54045>
43. Pasban, Mohammadreza, Salah Mahmoodi, "A Comparative Study of the Duty of Loyalty of Company Directors and Its Impact on Conflict of Interest Management and Data Retention in Iranian and English Law", *Journal of Legal Research*, Vol. 23, No. 57, 2024, pp. 409-438. (In Persian) <https://doi.org/10.48300/jlr.2022.352833.2127>
44. Sadeghian Nodoushan, Mahmoud, Bagheri Mahmoud, "Conflict of Interests of Company Stakeholders and Its Strategies", *Comparative Law Researches*, Vol. 20, No. 3, 2016, pp. 136-163. (In Persian)
45. Seyed Ahmadi Sajadi, Seyed Ali, Esmat Danesh Ara, "The Role of Object in The Capacity of Commercial Companies in English Law with a Look into The Iranian and Australian law", *Journal of Comparative Law*, Vol. 3, No. 1, 2016, pp. 27-52. (In Persian)

Analysis of the Scope of Conflict of Interest between Director and Company in Commercial Company Law (A Comparative Study in Iranian and English Law)

Saeed Mohseni*

Faezeh Teymouri Moghaddam**

Mohammad Taqhi Nadi***

Mahsa Robati****

Received: 2025.09.30 Revised: 2025.12.04 Accepted: 2026.02.18

Abstract

The influence and position of directors in commercial companies and the impact of their decisions on the success of their respective organizations is a critical factor that highlights the necessity to consider the "Conflict of Interest Between Director and the Company" issue. In such cases, the interests of the director are pitted against those of the company, compelling the director to choose between the two. Consequently, in certain legal systems like the United Kingdom, in addition to the legal obligation of directors to avoid conflict of interest situations, this matter also holds significant importance in judicial procedures and legal doctrine. Given the lack of explicit commentary by the Iranian legislative system regarding conflict of interest in commercial companies, the present research employs a descriptive-analytical approach and draws upon the experiences from the English legal system to examine the scope of director-company conflict of interest from personal, subject-related, and time-related perspectives. According to the research findings, apart from the necessity of identifying the concept and types of commercial companies, the term "director" encompasses all individuals who, under any title and in any manner, are connected with company management and management activities. These directors are obligated to avoid any actual and potential conflicts in competitive, financial, and information-related company matters, instead prioritizing the interests of the company.

Keywords:

Competition, Conflict of interests, Fiduciary duty, Interests of the Company, Personal interest.

* Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Corresponding Author's email: s-mohseni@um.ac.ir.

** Ph.D. Student, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

*** Ph.D. Student, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

**** Ph.D. in Law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University (Farabi College), Qom, Iran.